

فصلنامه تاریخ اسلام

سال سوم، بهار ۱۳۸۱، شماره مسلسل ۹، ص ۴۷-۶۶

موقعیت تجاری افریقیه و مغرب و نقش آن در تأسیس خلافت فاطمی

دکتر محمدعلی چلونگر*

فاطمیان پس از دو دهه دعوت و فعالیت سیاسی، مذهبی و نظامی در افریقیه و مغرب در سال ۲۹۷ هـ موفق به تشکیل خلافت در قیروان شدند.

از عواملی که به تشکیل این حکومت کمک کرد، موقعیت تجاری افریقیه و مغرب بوده است. افریقیه و مغرب دارای مراکز و جاده‌های بزرگ و مهم بازرگانی بود. وضعیت بازرگانی ویژه آن مناطق، جایگاه ممتازی را برای تشکیل خلافت فاطمیان فراهم کرد.

این مقاله در پی بررسی نقشی است که مراکز و راه‌های بازرگانی و تجاری افریقیه و مغرب در تأسیس خلافت فاطمیان داشته است.

واژه‌های کلیدی: بازرگانی و تجارت، افریقیه، مغرب (مراکش)، فاطمیان.

مقدمه:

از حکومت‌های مهم تشکیل شده در ناحیه غرب عالم اسلام، خلافت فاطمیان در افریقایه و مغرب است.^(۱) انتخاب افریقایه و مغرب توسط فاطمیان به عنوان محل قیام، منحصر به زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و مذهبی موجود در آن منطقه نبوده است. در کنار آن‌ها بازرگانی منطقه‌ای عامل مهمی بوده، که تاکنون کمتر به آن توجه شده است.

در این مقاله به بررسی زمینه‌های تجاری موجود در مغرب و افریقایه که آن منطقه را حائز اهمیت کرده و توجه فاطمیان را برای تشکیل حکومت به خود جلب کرده است، پرداخته می‌شود. ویژگی بسیار مهم تجاری مغرب و افریقایه چیزی نبود که از دید قیامگران فاطمی پنهان مانده باشد. نقش بازرگانی این منطقه در تجارت دریایی مدیترانه بسیار مهم بود و همین مسئله موجب شده موقعیت اقتصادی و بازرگانی مغرب و افریقایه از زمان‌های دور مورد توجه قرار گیرد.

داعیان فاطمی از ابتدای قیام خود، در پوشش تجارت در مناطق مغرب و افریقایه رفت و آمد داشتند و کم و بیش نسبت به اوضاع بازرگانی و اقتصادی منطقه اطلاعاتی کسب کرده و این ناحیه را از جهت اقتصادی و تجاری مکانی مناسب برای ادامه کار تشخیص داده بودند.

موقعیت جغرافیایی و بازرگانی افریقایه و مغرب

مغرب موقعیتی ممتاز میان شرق اسلامی و اسپانیای مسلمان و نیز میان صحرا و سودان از یک سو و مدیترانه از سوی دیگر داشت. سه منطقه مغرب که مسلمانان شرق بر آنها حکمرانی داشتند، هر کدام موقعیت مهمی داشتند. افریقایه بر تنگه سبیل تسلط داشت و مرکز قدیمی کارتاژ و منطقه‌ای سوق الجیشی به شمار می‌آمد. مغرب الاقصی مسلط بر تنگه

جبل الطارق و معبر ایتالیا و اسپانیا بود. وضع حاشیة صحرا در کوهپایة اطلس متفاوت از دو منطقه دیگر بود. دامنه این منطقه بزرگ شرقی - غربی محل انشعاب مسیرهای ماورای صحرا بود و قرارگاه پایانه‌های شمالی راه‌های کاروان‌روی بود که مجموعه شبکه ارتباطی بلاد سودان^(۲) - صحرا را تشکیل می‌دادند. همچنین از منطقه یاد شده به عنوان مأمن کوبری صحرائشینان بربر ساکن در فلات‌های بلند استفاده می‌شد. حاشیة بخش مرکزی ارتفاعات مغرب از شرق به غرب به صورت پلکانی است و از شمال به جنوب، یعنی از مدیترانه به سودان، امتداد دارد. ساحل با سلسله‌ای از کوه‌ها، تل اطلس، فلات‌های بلند، اطلس صحرا و بیابان به چند بخش تقسیم می‌شود. دشت‌های ساحلی نیز از هر طرف در افریقه و مغرب الاقصی گسترده‌اند. مشکلات گروه‌هایی مانند رومی‌ها که می‌خواستند بر جبهه‌های مرتفع مسلط شوند، ناشی از همین وضع جغرافیایی است.

در دنیای اسلام آن ایام، مغرب سرزمین سوق الجیشی مهمی محسوب می‌شد و از لحاظ افق‌ها و دیدگاه‌های تمدنی و همچنین تماس و برخورد میان تمدن‌ها، پلی میان شرق و غرب عالم اسلام و نقطه اتصال میان سرزمین‌های متمدن بود. در دوره مسلمانان این منطقه از لحاظ جمعیت و شهری‌گری رشد تازه‌ای یافت و به لحاظ تجاری شکوفا شد.

مغرب در حاشیة جاده‌های بزرگ بازرگانی قرار نداشته، بلکه یکی از شریان‌های آن را تشکیل می‌داد. تجار شرقی زیادی برای خرید طلاهای سودان که توسط سوداگران مغرب از طریق صحرا حمل می‌شد، به شهرهای شمال افریقا می‌آمدند. مغرب، در این زمان نقش مهمی در داد و ستدهای تجاری بین سرزمین‌های مدیترانه و مناطق دیگر ایفا می‌کرد.^(۳) گسترش تمدن اسلامی در این دوران تا اندازه زیادی مدیون مغرب است.

مراکز افریقه دارای تجارت فعالی با شرق مدیترانه و سیسیل و اسپانیا بودند. تونس به عنوان ناحیة سرحد اندلس بود و از آن‌جا برای عبور به اندلس استفاده می‌شد.^(۴) تونس

نخستین بندری بود که با کشتی از آن جا به طرطوشه، واقع در ساحل اندلس می‌رفتند. «قابس» شهر صحرایی و مدیترانه‌ای، ورودی راه‌های سودان بود. افریقایه و مغرب محل عبور محصولات سودان، از قبیل طلا^(۵) و واردات و صادرات تولیداتی مانند زعفران، پسته، پارچه، عاج، مروارید، اشیای تجملی و تولیدات غرب یعنی برده^(۶) اسلاوی و پوست و شمشیر بود. در کنار این محصولات، تجارت روغن زیتون نقش بسیار مهمی برای ساکنان نواحی غیر ساحلی افریقایه و مغرب داشت.^(۷)

اهمیت تجاری شهرهای مغرب و افریقایه

همان‌طور که بیان شد در آن ایام مغرب و افریقایه سرزمین عبوری میان حد غربی امپراتوری و شرق مسلمان، نیز معبر اسپانیا و سیسیل از یک طرف و قلمرو مسلمانان و سرزمین سودان و صحرا از طرف دیگر بود. بدین‌سان شاهد ترقی و جهش قابل ملاحظه‌ای شد که بر تجارت با ماورای صحرا استوار بود. در نتیجه گونه‌های شهرنشینی را در شمال صحرا (سجلماسه و میزاب) تا سواحل نیجر رواج می‌داد. بنیاد گذاری و بسط شهرهایی همچون فاس و قیروان، با وجهه تجارت مغرب و نیز با ترقی گروهی از شهرهای عمده کاروانی، ارتباط داشت که پایانه (ترمینال) راه‌های دسترسی به طلا و بردگان بود. در آن عصر، مغرب مرکز ثقل تجاری بود که میدان نفوذش کم و بیش تا نواحی مجاور گسترده شده بود. قلب هر دولت یک شهر تجاری بود که در محل تقاطع کاروان‌های صحرایی از یک سو و در شرق از سوی دیگر واقع شده بود.

در دوره حکومت اگلیبان، قیروان نخستین، گسترش قابل ملاحظه‌ای یافت و دارای چهار شهر اقماری با نام‌های: قصر قدیم، رقاده، صبره و منصوریه بود.^(۸) اهمیت قیروان مانند قرطبه، ناشی از توسعه شهری حامی تجارت بود.

در بین شهرها، سجلماسه از نظر تجاری مهم‌ترین موقعیت را داشت. اگر به نقشه سمت غربی صحرای بزرگ نگاه کنیم، اهمیت تجاری سجلماسه آشکار می‌شود، چون بزرگ‌ترین دروازه به سوی شهرهای غربی سودان است. عمده راه‌های تجاری که از صحرا می‌گذرد، به این شهر منتهی می‌شود.^(۹)

دو ویژگی موجب اهمیت اقتصادی این شهر شده بود:

۱. وجود معادن طلا و نقره،

۲. موقعیت تجاری شهر.

آن‌جا بزرگ‌ترین بازار برای تجارت و تجار بود. در بازارهایش محصولات مختلف مغرب و آفریقه و سودان مثل طلای غیر مسکوک، پنبه، نمک، آبنوس، پوست، چوب، برده سیاه، واردات مغرب و اندلس، مصنوعات معدنی، منسوجات، ظروف و روغن معامله می‌شد.^(۱۰) ائمه بنی مدرار مانند ائمه رستمیان در این معاملات شرکت می‌کردند.

تجارت، سجلماسه را محل اجتماع مردم از هر فرقه و نحله قرار داده بود. در آن‌جا گروه‌ها و دسته‌هایی از سودان، مغرب، اندلس و جماعتی از یهود حضور داشتند. رفاه اقتصادی مردم سجلماسه مورد توجه جغرافی‌دانان قرار گرفته است. یاقوت می‌گوید که مردم این شهر غنی‌ترین و ثروتمندترین افراد هستند.^(۱۱)

شهر سجلماسه به لحاظ موقعیت ممتازش همواره مورد ادعای حکومت‌های مغرب و اندلس بود. خلفای اندلس که شهر سبته واقع در آن سوی جبل الطارق را در تصرف داشتند، می‌کوشیدند راساً یا با قرار و پیمان با دیگران، روابط خود را با سجلماسه حفظ کنند، زیرا همان‌طور که ذکر شد، این شهر قرن‌ها یکی از مراکز داد و ستد طلا بود.^(۱۲)

از شهرهای مهم دیگر تجاری مغرب، تاهرت بود، که در اختیار اباضیه رستمی بود.^(۱۳) این

شهر بر راه‌های منتهی به جنوب مسلط بود. به علت موقعیت مهم تجاری تاهرت،^(۱۴) در آن

ایام عراق مغرب لقب داشت.^(۱۵) گروههایی از زناته که بازرگانانی صحراگرد و در کارهای تجاری عمده وارد بودند و از شبکه‌های موجود در مغرب یا سودان استفاده می‌کردند، در تاهرت مستقر بودند.^(۱۶)

بهره‌وری فاطمیان از امکانات تجاری - اقتصادی مغرب و افریقایه

در دوران ظهور اسلام، سرزمین‌های متمدن کهن در نتیجه بهره برداری از منابع خود، از رمق افتاده بودند. در مقابل سرزمین‌های جوان که در غرب دنیای اسلام قرار داشتند، به عرضه امکانات اقتصادی نو و استعدادهای انسانی دست نخورده و منابع مهم بالقوه پرداختند. سرزمین‌های تازه اهالی مشرق را به خود جذب کردند و فرقه‌ها و گروههایی هم‌چون فاطمیان و قبل از آنان امویان اندلس، ادریسیان مغرب الاقصی و رستمیان مغرب الاوسط بر آن شدند که بخت خود را در این سرزمین‌ها بیازمایند.

ماجرا جووانی از گروه‌های مختلف، نیز سوداگران و بازرگانان، هم‌چنین ادیبان و فرهیختگان که مجذوب مستمری‌های کلان و طالب دستیابی به مقام‌های خالی در دولت‌های جدید اسلامی غرب بودند، رو به این سرزمین نهادند.^(۱۷)

مغرب دو نیروی بالقوه داشت که توجه قیام‌گران و طالبان قدرت و حکومت را به خود جلب می‌کرد: اول غنای نیروی انسانی. مغرب و افریقایه از دورترین ایام گروه‌های بزرگ بردگان را به شرق می‌فرستاد. پس از آن نیز هنگامی که مناطق قابل دسترس آن به اسلام گرویدند و سرچشمه بردگی بسته شد، مخزن سربازانی شد که به یاری آنان فتوحات اسپانیا و سیسیل و نیز تسلط بر صحرا تا سودان انجام گرفت. این گروه‌های عظیم که دارای انگیزه‌های مادی و معنوی برای حمایت از دسته‌های قیام‌گر و قدرت طلب بودند، نیروی فوق‌العاده قدرتمندی بودند که بدون حمایت آنان امکان تشکیل هیچ‌کدام از حکومت‌های مستقلی که از قرن دوم

هجری به بعد در مغرب و افریقه تشکیل شد، وجود نداشت.

غنای بالقوه دیگری که در دوران اسلامی به فعلیت رسید، فتح باب جامعه بربر به جانب صحرا و سودان بود. آن چه در نتیجه بازرگانی سودانی - بربری به جانب مدیترانه فرستاده می شد، طلا و مردان زنگی بود. طلا، قدرت بازرگانی را به ارمغان می آورد و زنگیان نیروی انسانی زراعت و کشاورزی و کار را تشکیل می دادند و کیفیت و ویژگی های رزمی آنان قدرت مغرب بربر را تقویت می کردند.

در منطقه مغرب چند جاده تجاری وجود داشت.^(۱۸) مهم ترین آن ها جاده ای بود که از صحرای غربی می گذشت و پس از طی حاشیه اقیانوس اطلس به سجلماسه می رسید. نقطه مقصد این جاده سجلماسه بود.^(۱۹) طلا از این شهر راه شمال و اسپانیا را در پیش می گرفت و یا از کناره های نیل می گذشت و به شرق سرازیر می شد.

از قرن دوم هجری که حکومت های مغرب و افریقه توسعه قابل توجهی پیدا کردند، اکثر شهرها و نقاطی را که در جاده های بازرگانی واقع شده بود، به پایتختی برگزیدند. این شهرهای پایگاهی و ارتباطی یکی از عوامل پیشرفت شهری گری منطقه غرب و افریقه به شمار می رفتند. به عنوان نمونه می توان از فاس بر روی جاده اسپانیا و از تلمسان و تاهرت و قیروان روی جاده شرق یاد کرد.

از اهداف اقتصادی فاطمیان مانند دولت های قبلی مغرب و افریقه تسلط بر شهرها و راه های تجاری طلا بود، زیرا هر چه داد و ستد طلا در شهری بیش تر می شد، قدرت و اعتلای حکومت آن ناحیه فزونی می گرفت. به همین علت، حکومت های مغرب سعی می کردند شهرهای خود را در مسیر جاده طلا قرار دهند.

از بعضی منابع به دست می آید که سفر عبیدالله مهدی به همراه یک قافله تجاری به سجلماسه، یک حرکت تصادفی^(۲۰) و یا صرفاً برای فرار از بنی عباس و دیگر مخالفان نبوده

است. احتمال دارد وی می‌خواست ضمن پیشبرد دعوت در آن ناحیه به شناسایی راه‌های به دست آوردن طلا بپردازد.^(۲۱)

در این جا ریشه بسیاری از منازعات میان دولت‌ها و قبائل هم پیمان هر یک از آن‌ها روشن می‌شود. در واقع یکی از موضوعات اصلی منازعات، نظارت بر جاده طلا بود، نه حرص و آز ارضی.^(۲۲)

چگونگی تاسیس و تحکیم پی در پی قدرت سه حکومت مقتدر فاطمیان، مرابطون (۴۴۸ - ۵۴۱ هجری) و موحدون (۵۲۴ - ۶۶۸ هجری) در افریقایه و مغرب در قرون وسطی به خوبی نشان می‌دهد که بین قدرت سیاسی و تصرف شهرها و مناطق عبور طلا رابطه مستقیم وجود داشته است. در هر سه مورد گروه‌های نسبتاً کم جمعیت تحت رهبری امیرانی که هدف‌های سیاسی و دینی‌شان از چارچوب قبیله تجاوز می‌کرد، توانسته‌اند بلافاصله پس از تصرف سجلماسه، دولت‌های بزرگی تاسیس کنند.

فاطمیان پس از آن‌که قیروان مرکز افریقایه را تصرف می‌کنند، متوجه مرکز راه‌های تجاری طلا و معادن طلا و نقره سجلماسه می‌شوند تا ضمن آزادی عبیدالله مهدی،^(۲۳) ارباب راه‌هایی شوند که به سودان منتهی می‌گردید. این شهر کلید اقتصادی مغرب محسوب می‌شد و علاوه بر آن‌که مرکز داد و ستد طلای سودان بود، دارای معادن طلا و نقره فراوانی بود.

حضور یهودیان در این شهر و شرکت آنان در داد و ستد طلا و نقره، موقعیت تجاری این شهر را مهم‌تر کرده بود.^(۲۴) فاطمیان علاوه بر شهر سجلماسه، همه شهرهای دیگری را که نقشی در تجارت و اقتصاد منطقه داشتند، به تصرف در آوردند؛ شهرهایی مثل تلمسان، فاس و تاهرت. رهبران فاطمی چون در سلک تجار و پیوسته در حال تجارت بودند، توجه خاصی به مناطق تجاری داشتند.^(۲۵) اما شهرها گر چه از جهت مذهبی جزء پایگاه‌های فاطمیان در دوران قیام و خلافت نبود اما از جهت اقتصادی و تجاری مورد توجه آنان بود.

اهمیت جاده طلالی سودان نظر بسیاری از مورخان و جغرافی دانان عرب به خصوص ادیسی^(۲۶) و البکری^(۲۷) را به خود جلب کرده است.

استفاده فاطمیان از راه‌های تجاری برای گسترش دعوت در افریقه و مغرب موقعیت تجاری مغرب و افریقه علاوه بر آن که موقعیت ممتازی برای تشکیل حکومت فاطمیان از نظر اقتصادی فراهم کرد، موجب شد داعیان از مراکز و راه‌های تجاری برای گسترش دعوت خود استفاده کنند.

همان طور که اشاره شد، در قرن سوم هجری درکنار جاده تجاری بلاد سودان با مغرب شبکه‌ای از مراکز تجاری فعال به وجود آمد. کاروان‌های تجاری در سرتاسر مغرب در این راه‌ها در آمد و شد بودند. با وجود تعصب مذهبی که بین بعضی از حکومت‌های مغرب و افریقه وجود داشت و زمینه‌ساز درگیری‌هایی در قرن سوم و در آستانه قیام فاطمیان شده بود، این حکومت‌ها در موضوع تجارت با تسامح با یکدیگر برخورد می‌کردند. تسامح حکومت‌ها در اقتصاد و تجارت موجب شده بود همکاری اقتصادی بین مناطق تحت سلطه حکومت‌های رستمیان، بنی مدرار، اغلبیان، ادیسیان و امویان اندلس به وجود آید.

در این دوران مهم‌ترین شبکه‌های تجاری را در مغرب، خوارج اباضیه ایجاد کرده بودند. آنان در هر واحه‌ای، زاویه‌ای ایجاد نموده بودند. زاویه در اصل محلی برای عبادت بود، ولی در عمل به عنوان مراکز ملاقات و توقف و استراحت تجار استفاده می‌شد. در صحن زاویه، شب را به صبح می‌رساندند و در همان جا به معاملات تجاری می‌پرداختند. این شبکه تجاری در ابتدا در نواحی نفُوسه، تاهرت و سجالماسه ایجاد شد، ولی بعداً همه نواحی صحرایی افریقه و مغرب را در بر گرفت.^(۲۸)

راه‌ها و مراکز تجاری در مغرب قبل از فاطمیان در گسترش تشیع نقش آفرین بود.

هواداران اهل بیت و تشیع اعتقادات خود را از طریق کاروان‌های تجاری به شهرها و مراکز تجارت بردند. با حرکت کاروان‌های تجاری، عادات، مذاهب، قصص و حتی لهجه‌ها منتقل می‌شد. شهرهایی که از طریق کاروان‌های تجاری به تشیع گرایش پیدا کردند، از پایگاه‌های عمده تشیع در مغرب شدند. گرایش اهالی شهرهایی مثل باغایه به تشیع به واسطه ارتباط این شهرها با مراکز تجاری و اقتصادی مغرب و تلاش داعیان بوده است.^(۲۹) قاضی نعمان به نقش و اهمیت تجار و کاروان‌های تجاری در گسترش تشیع در بعضی شهرها اشاره دارد. وی در مورد تشیع اهالی نَفْطَه که سابقه بیش‌تری در پذیرش شیعه بین مناطق مغرب دارد^(۳۰) می‌گوید: ورود تشیع به نَفْطَه توسط تجاری انجام گرفته که با مرمانه داد و ستد داشتند. مرمانه در نزدیکی همان شهری واقع شده بود که ابوسفیان، از داعیان اسماعیلی مغرب در آن سکونت داشت. تجار در رفت و آمدها با تعالیم ابوسفیان آشنا شده و به وی گرایش پیدا کردند و بعد از آن تشیع را به نَفْطَه در منطقه قسطلیه بردند.^(۳۱) قسطلیه در دورترین ناحیه جنوب بود و از واردات حبوبات نواحی شمال استفاده می‌کرد. در مقابل ساکنان شمال از خرما و نَفْطَه در جنوب استفاده می‌کردند.

ادریسیان قبل از فاطمیان برای گسترش دعوت و قیام خود، از مراکز تجاری و بازارهای بزرگ که برای قبائل تشکیل می‌شد، استفاده کرده بودند. آنان در ابتدای ورودشان به مغرب، از ولیلی که وسط راه فاس و مکناسه بود و مرکز تجاری مهمی برای عرضه کالاهای قبائل بود، استفاده می‌کردند. اهمیت این شهر مانند یک مرکز سیاسی مهم بود.^(۳۲)

بین گروه‌ها و فرقه‌ها در قرن سوم هجری، اسماعیلیان و فاطمیان بیش از دیگران از طریق تجار و جاده‌های بازرگانی برای گسترش دعوت خود استفاده کردند. داعی اسماعیلی احمد بن ابراهیم النیسابوری در گزارشی که از شیوه کار داعیان قرن سوم هجری نشان داده است، به این مسئله اشاره می‌کند و می‌گوید: داعیان برای گسترش دعوت و یافتن امام

اسماعیلی که با عنوان تاجر در سلمیه اقامت کرده بود^(۳۳) و با داعیان ملاقات می‌کرد، به سلمیه رفت و آمد می‌کردند.^(۳۴)

فاطمیان از شهرها و شبکه‌های تجاری به صورت گسترده جهت اشاعه دعوت خود در افریقيه استفاده کردند. فاصله زیاد بین افریقيه و مراکز دعوت در سلمیه و یمن، برقراری ارتباط سریع بین داعیان و امام فاطمی را مشکل می‌ساخت. راه اطمینان بخشی که زمینه را برای ارتباط سهل کرد، وجود راه‌ها و کاروان‌های تجاری بود.

در بررسی دعوت فاطمیان در افریقيه این نکته استنباط می‌شود که رهبران اسماعیلی در سلمیه و یمن از آن چه در افریقيه و مغرب می‌گذشته،^(۳۵) سریعاً اطلاع حاصل می‌کردند. این اطلاع‌رسانی با توجه به بعد مسافت، به نظر می‌رسد از طریق شبکه راه‌ها و کاروان‌های تجاری بوده است، مثلاً اطلاع ابن حوشب از مرگ داعیان قبل از ابوعبدالله شیعی و بلافاصله بعد از آن فرستادن ابوعبدالله، شاید از این طریق انجام گرفته باشد.

عبیدالله مهدی در سفر خود از مصر به طرف طرابلس از شبکه راه‌های تجاری بهره جست و همراه یکی از قافله‌های تجاری، خود را به افریقيه رساند. شاید از عواملی که موجب شد عبیدالله مهدی پس از خروج از طرابلس به جای حرکت به طرف قیروان به سجلماسه رود، همین موقعیت تجاری و شبکه راه‌های تجاری این شهر بوده است.

همان‌طور که بیان شد، سجلماسه در منتهی الیه جاده‌ای بود که از صحرا می‌گذشت. از این‌رو، تاجر بسیاری از شام، عراق، اندلس و مغرب در آن‌جا مقیم بودند. فردی که در سجلماسه ساکن می‌شد، به آسانی می‌توانست با شهرهای اطراف ارتباط برقرار کند. عبیدالله که از موقعیت تجاری شهر آگاه بود، همراه فرزندش القائم در هیأت و زی تجار در آن‌جا اقامت گزید^(۳۶) و از آن‌جا با ابوعبدالله شیعی در ارتباط بود.^(۳۷) در واقع سکونت او در سجلماسه موجب شد که قیام فاطمیان از دو نقطه هم‌زمان پیگیری شود: ابوعبدالله در افریقيه و عبیدالله

مهدی در مغرب الاقصی.

عبدالله مهدی در تماس با تجار عملاً زمینه گسترش دعوت را در نقاط مختلف مغرب و افریقاییه فراهم می‌کرد. از طرف دیگر داعیان همراه کاروان‌های تجاری به این شهر می‌آمدند و با او تماس می‌گرفتند و دستورهای لازم را از او کسب می‌کردند.

نتیجه:

موقعیت جغرافیایی و تجاری افریقاییه و مغرب در قرون اولیه اسلامی توجه مدعیان قدرت را برای قیام و تشکیل حکومت جلب کرد. افریقاییه و مغرب از جاده‌های بزرگ بازرگانی برخوردار بودند. مراکز افریقاییه دارای تجارت فعالی با شرق مدیترانه و سیسیل و اسپانیا بودند. وضع ویژه آن مناطق جایگاه ممتازی را برای تشکیل حکومت فاطمیان از نظر اقتصادی فراهم کرد. از اهداف اقتصادی فاطمیان در انتخاب افریقاییه و مغرب، تسلط بر شهرها و راه‌های تجاری طلالی آن مناطق بود. در پایان قرن سوم شبکه‌های مهم تجاری در افریقاییه و مغرب وجود داشت که قبل از حضور قیام‌کنندگان فاطمی تأسیس شده بودند. این راه‌ها و مراکز در گسترش تشیع در قرون دوم و سوم هجری تأثیر زیادی داشتند. فاطمیان بین گروه‌های قیام‌کننده‌ای که به آن مناطق آمدند، بیش از دیگران از مراکز و راه‌های بازرگانی موجود، برای گسترش دعوت خود استفاده کردند. آنان از طریق مراکز و راه‌های تجاری با مراکز اصلی دعوت در سلمیه و یمن ارتباط برقرار می‌کردند. عبدالله مهدی از طریق جاده‌های تجاری با ابوعبدالله شیعی تماس برقرار می‌کرد. او در سفر خود از مصر به طرابلس و سجلماسه (مرکز بنی مدرار) از همین راه‌ها بهره جست. در واقع آن‌چه که پیروزی فاطمیان را تسریع بخشید و در مدت زمان کمی توانستند با سرتاسر افریقاییه و مغرب تماس برقرار کنند، مراکز و راه‌های تجاری بود.

پی‌نوشت‌ها:

۱. مغرب در منابع تاریخی و جغرافیای اسلامی به سرزمین‌های شمال افریقا از حدود غربی آن تا اقیانوس اطلس اطلاق شده است. این منطقه به سه قسمت تقسیم می‌گردد: مغرب‌الادنی (مغرب نزدیک)، مغرب‌الاوسط (مغرب میانه) و مغرب‌الاقصى (مغرب دور).
- مغرب‌الادنی حدوداً شامل تونس است. این ناحیه که افریقیه هم نامیده می‌شود، مرکزش در دوران اغلیبان، قیروان و در دوره فاطمیان شهر مهدیه بود. تشکیل خلافت فاطمیان در این قسمت از مغرب تحقق یافت. مغرب‌الاوسط حدوداً به الجزائر و مغرب‌الاقصى به مراکش تا شمال موریتانی گفته می‌شود.
۲. سودان در کتب جغرافیایی و تاریخی گذشته، مفهومی وسیع‌تر از کشور سودان امروزی دارد و منطقه‌ای از ساحل غرب افریقا تا کوه‌های حبشه را در بر می‌گیرد که عمدتاً از اراضی صحرائی، دشت و استپ تشکیل می‌شود. منطقه سنگال، دریاچه چاد و نیجر علیا، سودان غربی و حوزه علیا، سودان شرقی نامیده می‌شود. نیل علیا از نيزارهای باتلاقی صعب العبوری می‌گذرد که آن نیز در سودان قرار دارد. (ر.ک به کالین مک ایودی، *اطلس تاریخی افریقا*، ترجمه فریدون فاطمی، چاپ اول (تهران، نشر مرکز، ۱۳۶۵ ش) ص ۵۲.
۳. ر.ک: ابو عبید عبدالله بن عبدالعزیز البکری، *المغرب فی ذکر بلاد افریقیه و المغرب*، تحقیق دوسلان (بغداد، مکتبه المثنی، بی تا) ص ۲-۱۴؛ طه ذنون، *الفتح و الاستقرار العربی فی شمال افریقیا و الاندلس* (بغداد، دارالرشید، ۱۹۸۲ م) ص ۵۵.
۴. البکری، پیشین، ص ۳۷ و ۸۴ طه ذنون، پیشین، ص ۵۵-۵۷.
۵. زکریابن محمد بن محمود قزوینی، *آثار البلاد و اخبار العباد*، ترجمه جهانگیر میرزا قاجار، تصحیح میرهاشم محدث، چاپ اول (تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۳ ش) ص ۸۵. عمده‌ترین شهر بلاد سودان که طلا از آن صادر می‌شد، غانه بوده است. برای مطالعه بیشتر تر مراجعه شود به: ابوبکر احمد بن محمد الهمدانی المعروف بابن الفقیه، *مختصر کتاب البلدان*، الطبعة الاولى (بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۸ م) ص ۸۳ البکری، پیشین، ص ۱۷۴-۱۸۳.
۶. البکری، پیشین، ص ۴۷ و ۵۶ و ۵۷؛ طه ذنون، پیشین، ص ۵۵-۵۶؛ مجهول المؤلف، *الاستبصار فی عجائب الابصار*، تصحیح سعد ذغلول عبدالحمید (بغداد، دارالشؤون العامه، ۱۹۸۶ م) ص ۲۰۱.
۷. ر.ک: ابو عبدالله بن محمد بن احمد التیجانی، *رحله التیجانی*، تحقیق حسن حسنی عبدالوهاب (تونس، الدار العربیه الكتاب، ۱۹۸۸ م) ص ۶۵-۶۶؛ عبدالرحمن بن محمد بن عبدالله، *معالم الایمان فی معرفة اهل القیروان*، روایه

- ابن ناجی التنوخی، تحقیق ابراهیم شبوخ (قاہرہ مکتبۃ الخانجی، ۱۹۶۸ م) ج ۱، ص ۳۵-۳۶.
۸. ر.ک: شمس الدین ابو عبد اللہ محمد بن ابی طالب الانصاری دمشقی، *نخبة الدهر فی عجائب البر والبحر*، الطبعة الاولى (بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۸ م) ص ۳۱۴.
۹. ر.ک: کالین مک ایودی، پیشین، ص ۷۳؛ اسحاق بن حسین منجم، *آکام المرجان فی ذکر المدائن المشهور فی مکان*، ترجمه محمد آصف فکرت، چاپ اول (مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰ ش) ص ۱۰۹.
۱۰. ر.ک: ابوالقاسم بن احمد جیهانی، *اشکال العالم*، ترجمه علی بن عبدالسلام کاتب، تصحیح فیروز منصور، چاپ اول (مشهد، شرکت به نشر، ۱۳۶۸) ص ۶۳؛ مجهول المؤلف، *حدود العالم من المشرق الی المغرب*، تصحیح منوچهر ستوده (تهران، طهوری، ۱۳۶۲)؛ اصطخری، *مسالك و ممالک*، تصحیح ایرج افشار، (تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸) ص ۴۲؛ مجهول المؤلف، *الاستبصار*، ص ۲۰۰-۲۰۲؛ انصاری دمشقی، پیشین، ص ۳۱۵-۳۱۶.
۱۱. شهاب الدین یاقوت الحموی، *معجم البلدان* (بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۷۸ م) ج ۳، ص ۱۹۲.
۱۲. مجهول المؤلف: *الاستبصار*، پیشین، ص ۲۰۲؛ زکریا بن محمد بن محمود، پیشین، ص ۸۵.
۱۳. ر.ک: ابوالقاسم عبید اللہ بن عبد اللہ المعروف بابن خردادبه، *المسالك و الممالک*، تصحیح محمد مخزوم، الطبعة الاولى (بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۸ م) ص ۸۱.
۱۴. ابو عبد اللہ محمد بن محمد بن ادریس الحمودی الحسینی المعروف بالشریف الادریسی، *نزهة المشتاق فی اختراق الافاق* (پور سعید، مکتبۃ الثقافة الدینیہ، بی تا) ج ۱، ص ۲۵۵-۲۵۶.
۱۵. یاقوت حموی، پیشین، ج ۲، ص ۸.
۱۶. ر.ک: اصطخری، پیشین، ص ۴۶؛ کالین مک ایودی، پیشین، ص ۶۷؛ البکری، پیشین، ص ۷۰-۷۱ و ۷۵ و ۸۰ و ۱۴۲؛ طه ذنون، پیشین، ص ۵۷.
۱۷. وجود خواهان قدرت و شهرت را در مغرب و اندلس بسیار می توان دید. از این افراد می توان از ابوالحسن علی بن نافع، معروف به زریاب هنرمند و موسیقی دان ایرانی در اندلس یاد کرد. او از شاگردان اسحاق موصلی، موسیقی دان دربار هارون الرشید عباسی بود. چون در آهنگ سازی بر استاد خود برتری یافته و توجه هارون الرشید را به خود جلب کرده بود، موجب خشم و رشک اسحاق موصلی شد. زریاب که از دربار امویان اندلس، رفاہ، آسایش و توجه آنان به هنرمندان مشرق زمین اطلاع داشت، به حکم بن هشام (۱۸۰-۲۰۷ هجری) نامه نوشت و با اذن او به اندلس رفت و مورد توجه واقع شد (ر.ک: احمد بن محمد المقرئ، *الاندلس من نفع الطیب*، (دمشق، منشورات و زاره الثقافة، ۱۹۹۰ م) ج ۳، ص ۱۲۲-۱۳۳.

۱۸. ویل دوران جاده‌های تجاری را که مسلمانان در مغرب ایجاد کردند، سه جاده به طول ۲۵۰۰ تا ۳۲۰۰ کیلومتر معرفی می‌کند که اوج فعالیت آنان در قرن سوم هجری / نهم میلادی بوده است. (ر.ک: ویل دوران، تاریخ تمدن، ترجمه ابوطالب صارمی و دیگران، چاپ دوم، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸ش) ج ۴، عصر ایمان، بخش اول، ص ۳۶۳).

۱۹. ر.ک: ابوالقاسم بن حوقل، *صورة الارض* (بیروت، دار مکتبه الحیاة، بی تا) ص ۶۵؛ ابوعبدالله مقدسی، *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*، تصحیح محمد مخزوم (بیروت دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۷م) ص ۱۹۱؛ سعدون عباس نصرالله، *دولة الادارسة فی مغرب*، (بیروت، دارالنهضة، بی تا) ص ۱۴۳.

۲۰. ابن حماد در مورد حرکت عبیدالله مهدی به سوی سجلماسه می‌گوید: «إلى أن وصل إلى سجلماسه إما بعلم سبق وإنما بشيءٍ اتفق» (ابوعبدالله محمد بن حماد صنهاجی، *اخبار ملوک بنی عبید و سیرتهم*، تحقیق التهامی نقره، عبدالحلیم عویس، تونس، دارالقلم، ۱۹۸۷م) ص ۴۷).

۲۱. حبیب جنحایی، *دراسات التاريخ الاقتصادي والاجتماعی للمغرب الاسلامی* (بیروت، دارالغرب الاسلامی، ۱۹۸۴م) ص ۱۷۶.

۲۲. در این جا سنوالی مطرح است که به چه علت طلای سودان در تحولات مغرب و شکل‌گیری دولت‌های بزرگ افریقیه و مغرب چنان نقش مهمی ایفا کرده است، با وجودی که مغرب نه منبع آن بوده و نه مقصد آن؟ از سودان می‌آمده و به شهرهای بزرگ مصر و شرق اسلامی روانه می‌شده است.

برای پاسخ به این سؤال باید به عقب برگردیم. گمان می‌رود تا قرن دوم یا سوم هجری، روابط تجاری میان سودان و مشرق مستقیماً از طریق صحرای خاوری صورت گرفته است. از این قرن به بعد احتمالاً به سبب آشوب خوارج و صعوبت اقلیمی و طوفان‌های شن و حملات بدویان، کاروانیان اجباراً به جاده صحرای غربی که عبور از آن آسان‌تر است، روی می‌آورند و در نتیجه از مغرب و افریقیه عبور می‌کنند.

تغییر مسیر حمل و نقل طلا را باید یکی از موجبات پیشرفت مغرب و افریقیه شمرد. بی دلیل نیست دولت‌های قدرتمندی که در آن مناطق به وجود می‌آیند، بعد از تغییر مسیر است. فاطمیان از این مسئله جهت تحکیم موقعیت خود استفاده می‌کنند. در واقع باید گفت جاده طلا بسیاری از مسائل مربوط به اوضاع و احوال مغرب و افریقیه را روشن و قابل فهم می‌سازد. (ر.ک به ابن حوقل، پیشین، ص ۶۵).

۲۳. ابوحنیفه قاضی نعمان، *افتتاح الدعوة*، تحقیق و داد قاضی (بیروت، دارالثقافة، ۱۹۷۰م) ص ۲۳۱-۲۴۵.

۲۴. ر.ک: مجهول‌المولف، *الاستبصار*، پیشین، ص ۲۰۲؛ احمد مختار العبادی، *فی التاریخ العباسی و الفاطمی*

(بیروت، دارالنهضة العربيه، بی تا) ص ۲۲۹.

۲۵. فاطمیان بعد از تشکیل خلافت هم توجه خاصی به مناطق تجاری داشتند. آنان با یک سلسله حملات به فاس، تلمسان و به خصوص سبته سعی کردند در برابر نفوذ خلفای اندلس در سجلماسه، سدی ایجاد کنند و بدین طریق نظارت بر بخش عظیمی از جاده را در اختیار بگیرند. فاطمیان به یاری طلادر سال‌های بعد، برای اجرای طرح بزرگ خود که فتح مصر بود، منابع مالی جنگ و لشکرکشی را فراهم آوردند و مصر را تصرف کردند. مقریزی بیان می‌دارد برای لشکرکشی به مصر بین سال‌های ۳۵۸ تا ۳۶۲ هجری، ۲۴ میلیون دینار توسط فاطمیان هزینه شد. تقی‌الدین مقریزی، **خطط** (بیروت، دار صادر، بی تا) ص ۳۵۲.

شکوفایی اقتصادی مصر در عصر فاطمیان نیز تا حدود زیادی وابسته به طلای سودان بوده است. منبع عمده تأمین طلای مصر، در دوره قرون وسطی، بیش از هر زمان سودان غربی بوده است. مورخان و جغرافی دانان عرب از مقدار کاملاً خارق‌العاده طلا سخن می‌گویند که به سجلماسه یعنی انبار اصلی کالای تجاری ماورای صحرا در جنوب شرقی مراکش می‌رسیده و از آن‌جا در طول ساحل مدیترانه‌ای دره نیل پیش رفته است. در نتیجه مصر که طلای سودان غربی بدان‌جا سرازیر می‌شد، همواره به عنوان سرزمینی توصیف شده که از نظر طلا بسیار ثروتمند است. ثعالبی می‌گوید: «از مختصات آن‌جا فراوانی دینار (سکه زر) در آن سرزمین است. گفته‌اند هرکس به مصر رود و از خواسته بی‌نیاز نشود، هرگز خدا او را بی‌نیاز نخواهد کرد».

(ابومنصور عبدالملک بن محمد بن اسماعیل ثعالبی نیشابوری، **لطائف المعارف**، ترجمه علی اکبر شهابی خراسانی (مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸ ش) ص ۲۱۴-۲۱۳.

۲۶. ادیسی، **نزهة المشتاق فی اختراق الافاق**، پیشین، ج ۱، ص ۲۳-۲۵، ۴۴، ۱۰۳-۱۰۵.

۲۷. البکری اندلسی، پیشین، ص ۱۷۲-۱۸۳.

۲۸. حسین مونس، **معالم المغرب** (قاهره، دارالرشد، ۱۹۹۷ م) ص ۱۲۰-۱۲۲.

۲۹. موسی اقبال، **دورکنامه فی تاریخ الخلافة الفاطمية منذ تاسيسها الى منتصف القرن الخامس الهجری ۱۱ م** (الجزائر، الشركة الوطنية للنشر، ۱۹۷۶) ص ۲۱۷.

۳۰. البکری در مورد سابقه تشیع نطفه گوید که تمام ساکنان نطفه در عصر محمد بن یوسف و زاق جغرافی دان، شیعه بودند و به همین جهت این شهر به کوفه صُغری مشهور شده بود. بعضی از علمای شهر که به بجلی شهرت یافته بودند، از آن‌جا به گسترش عقائد شیعه بین ساکنان ناحیه سوس قبل از ظهور ابوعبدالله شیعی در افریقیه و مغرب پرداختند. (ن. ک: البکری، پیشین، ص ۶۷).

۳۱. قاضی نعمان، پیشین، ص ۵۴-۵۵؛ قاضی نعمان، شرح الاخبار، تحقیق محمدالحسینی الجلالی (قم، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۲ هـ) ج ۳، ص ۴۱۳.
۳۲. حسین مونس، معالم المغرب، ص ۱۲۶.
۳۳. احمد بن ابراهیم النیسابوری، استتار الامام علیه السلام و تفرق الدعاء فی الجزائر لطلبه، گردآوری و تصحیح سهیل زکار؛ الجامع فی اخبار القرامطه فی الاحساء - الشام - العراق - الیمن، الطبعة الاولى (دمشق، دار احسان، ۱۴۰۷ هجری / ۱۲۸۷ م) ج ۱، ص ۲۷۱-۲۷۴.
۳۴. النیسابوری در مورد تفصیل کار داعیان برای گسترش دعوت و یافتن امام می نویسد: وقتی امام اسماعیلی، خود را حتی از دید داعیان پنهان کرد، چند نفر از داعیان به نام های ابو غفیر، ابوسلمه، ابوالحسن بن الترمذی، جیاد بن الخنعمی، احمد بن الموصلی، ابومحمد الکوفی در شهر عسکر مکرم اجتماع کردند و برای یافتن امام متعهد شدند. آنان در هیأت تجار و فروشندگان، اقالیم مختلف را پیمودند. وقتی در یک مکان امام را نمی یافتند، به مکان و شهر دیگری می رفتند. آنان به شهرهای حلب، الجزیره، حمص و معرة النعمان رفتند تا در نهایت امام را در معرة النعمان در کوهستان السماق در دیری یافتند. سپس در صدد بر آمدند مکانی برای اقامت امام بیابند. از بین مناطق، سلمیه را انتخاب کردند. عامل اصلی این انتخاب موقعیت تجاری این ناحیه بود، زیرا سلمیه شهری بود که تجار به آن می آمدند و دوست نمی داشتند از آن بروند و از حاکم شهر درخواست می کردند به آنان اجازه سکونت دهد. هر قسمتی از شهر در اختیار یکی از تجار بود. این تجار از نواحی مختلف مثل بلخ، مدینه الرسول، حلب، رقه و... بودند.
- امام اسماعیلی هم در سلمیه به عنوان یک تاجر بصری اقامت کرد و داعیانش را به صورت مخفی به مناطق مختلف می فرستاد. (همان: ص ۲۷۱-۲۷۳).
۳۵. تقی الدین مقریزی، اتعاط الحنفاء، تحقیق جمال الدین الشیال (قاهره، وزارة الاوقاف، ۱۴۱۶ ق) ج ۱، ص ۵۵.
۳۶. مجهول المؤلف، الاستبصار فی عجائب الامصار، پیشین، ص ۲۰۲.
۳۷. احمد بن ابراهیم النیسابوری، پیشین، ص ۲۸۴.

منابع:

- ابن حماد الصنهاجي، ابو عبدالله محمد، اخبار ملوك بني عميد وسيرتهم، تحقيق التهامي نقره، عبدالحليم عويس (تونس، دارالقلم، ۱۹۸۷ م).
- ابن حوقل، ابوالقاسم، صورة الأرض (بيروت، دارالمكتبة الحياة، بی تا).
- ابن خرداذبه، ابوالقاسم، المسالك والممالك، تصحيح محمد مخزوم (بيروت، دار احياء التراث العربي، ۱۹۸۸ م).
- ابن عبدالله، عبدالرحمن بن محمد، معالم ايمان في معرفة اهل القيروان، رواية ابن ناجي التنوخي، تحقيق ابراهيم شيوخ (قاهره، مكتبة الخانجي، ۱۹۶۸ م).
- ابن الفقيه، ابوبكر احمد بن محمد، مختصر كتاب البلدان (بيروت، دار احياء التراث العربي، ۱۹۸۸ م).
- ادريسي، ابو عبدالله محمد بن محمد بن ادريس، نزهة المشتاق في اختراق الافاق، بورسعيد (بيروت، مكتبة الثقافة الدينية، بی تا).
- الانصاري الدمشقي، شمس الدين، نخبة الدهر في عجائب البر والبحر (بيروت، دار احياء التراث العربي، ۱۹۸۸ م).
- البكري، ابو عبيد عبدالله بن عبدالعزيز، المغرب في ذكر بلاد افريقيه والمغرب، تحقيق دوسلان (بغداد، مكتبة المشني، بی تا).
- التيجاني، ابو عبدالله بن محمد بن احمد، رحله الشيجاني، تحقيق حسن حسني عبدالوهاب (تونس، الدارالعربيه الكتاب، ۱۹۸۸ م).
- ثعالبی نيشابوری، ابو منصور عبدالملك، لطائف المعارف، ترجمه على اكبر شهابي خراساني (مشهد، آستان قدس رضوى، ۱۳۶۸ ش).
- جنحايي، حبيب، دراسات في تاريخ الاقتصاد والاجتماعي للمغرب الاسلامي (بيروت، دارالغرب الاسلامي، ۱۹۸۴ م).
- جيهاني، ابوالقاسم بن احمد، اشكال العالم، ترجمه على بن عبدالسلام ثابت، تصحيح فيروز منصورى (مشهد، شركت به نشر، ۱۳۶۸ ش).
- دورانت، ويل، تاريخ تمدن، ترجمه ابوطالب صارمی و ديگران (تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامي، ۱۳۶۸ ش) جلد ۴.
- ذنون، طه، الفتح والاستقرار العربي في فتح شمال افريقيا والانديلسي (بغداد، دارالرشيد، ۱۹۸۲ م).

- العبادى، احمد مختار، *فى التاريخ العباسى و الفاطمى* (بيروت، دارالنهضة العربية، بى تا).
- قاضى نعمان، ابو حنيفه، *افتتاح الدعوة*، تحقيق و داد قاضى (بيروت، دارالثقافه، ١٩٧٠ م).
- قاضى نعمان، ابو حنيفه، *شرح الاخبار*، تحقيق محمد الحسينى الجلالى (قم، موسسة النشر الاسلامى، ١٤١٢ ق).
- قزوينى، زكريا بن محمد بن محمود، *آثار البلاد و اخبار العباد*، ترجمه جهانگير ميرزا قاجار، تصحيح ميرهاشم محدث (تهران، امير كبير، ١٣٧٣ ش).
- مجهول المؤلف، *الاستبصار فى عجائب الابصار*، تصحيح سعد ذلول عبدالحميد (بغداد، دارالشؤون العامه، ١٩٨٦ م).
- مجهول المؤلف، *حدود العالم من المشرق الى المغرب*، تصحيح منوچهر ستوده (تهران، طهورى، ١٣٦٢ ش).
- المقرئ، احمد بن محمد، *الاندلس من نفع الطيب* (دمشق، منشورات وزارة الثقافه، ١٩٩٠ م).
- مقرئى، تقى الدين، *اتعاظ الحنفاء*، تحقيق جمال الدين الشيبال (قاهره، وزارت اوقاف، ١٤١٦ ق).
- مقرئى، تقى الدين، *خطط* (بيروت، دار صادر، بى تا).
- مك ايودى، كالين، *اطلس تاريخى افريقا*، ترجمه فريدون فاطمى (تهران، نشر مركز، ١٣٦٥ ش).
- منجم، اسحاق بن حسين، *آكام المرجان فى ذكر المدائن المشهور فى مكان*، ترجمه محمد آصف فكرت (مشهد، آستان قدس رضوى، ١٣٧٠ ش).
- مؤنس، حسين، *معالم المغرب* (قاهره، دارالرشد، ١٩٩٧ م).
- النيسابورى، احمد بن ابراهيم، *استتار الامام عليه السلام و تفرق الدعاه فى الجزائر لطلبه*، در مجموعه «الجامع فى اخبار القرامطه»، تصحيح سهيل زكار (دمشق، دار احسان، ١٤٠٧ ق).
- ياقوت الحموى، شهاب الدين، *معجم البلدان* (بيروت، دار احياء التراث العربى، ١٩٧٨ م).